



The Role of Knowledge Sharing in the Desire to Unification among the Faculty Members of University and Teachers of Islamic Seminary

Mohammad Javad Hashemzadeh 

*Corresponding author, Associate Professor, Knowledge and Information Science, University of Birjand, Birjand. Iran. E-mail: hashemzadeh@birjand.ac.ir

Samira Akbarian 

M.A. of Knowledge and Information Science, University of Birjand, Birjand. Iran. E-mail: samira.isk89@gmail.com

Mahmood Sangari 

Assistant professor, Knowledge and Information Science, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Birjand, Birjand, Iran. E-mail: msangari@birjand.ac.ir

Ali Rezaee 

Assistant professor, Department of Law, faculty of humanities, University of Birjand, Birjand, Iran. E-mail: arezaei@birjand.ac.ir

Mohammad Reza Asadi Yunesi 

Assistant professor, Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Birjand, Birjand, Iran. E-mail: yoonsi.mr52@birjand.ac.ir

Abstract

Objective: Nowadays regarded to the importance of knowledge and its related activities in advancement of countries and organizations, scientific cooperation among the society elites and other groups can lead to unity and solidarity among them. The main purpose of this research was to investigate the role of knowledge sharing intention to unity among the faculty members of universities of Birjand and teachers of seminary schools.

Methodology: The present research, through an applied method, surveyed the problem among university faculty members and teacher of seminary schools. Data were gathered by two validated and reliable questionnaires. The statistical population consisted of university faculty members and teachers of seminary schools. Among them, 198 individuals were selected as the sample of study through stratified random sampling method.

Findings: There was a significant difference among the two groups in control beliefs, total score of knowledge sharing, capability to tolerate the outsiders, and communication actions. Also, there was a significant relationship among the control beliefs to knowledge sharing with seminary (by university) and intention to unity. The results showed that attitude and norm beliefs to knowledge sharing with university (by seminary) significantly correlated with organization norms; control beliefs to knowledge sharing with university (by seminary) have

significant relationship with sense of brotherhood; knowledge sharing behaviour with university (by seminary) significantly correlated with communication action, and organization norms have significant relationship with intention to unity. According to the results, there was a significant difference between the mean scores of knowledge sharing with outsider group and desire level. Total score of knowledge sharing with seminary (by university) had significant correlation with intention to unity and its components but total score of knowledge sharing with university (by seminary) just only was significantly correlated to organization norms and intention to unity. Also, the results revealed that attitude, control belief and intention to knowledge sharing with seminary (by university) were predictors of intention to unity and also, the knowledge sharing behavior with university (by seminary) was significant predictor of intention to unity. Knowledge sharing with academics by seminarians was not the only factor related to their desire to unite with academics, but factors such as technological factors, non-common specialized fields, organizational factors, etc. were effective in their desire to unite.

Conclusion: In general, knowledge sharing and scientific cooperation have important role in intention to unity among the two groups. Since belief control is affected by facilitating conditions and facilitating technology, creating specialized knowledge management software networks for both groups in the web environment will have a beneficial effect on knowledge sharing and unity between these two groups. Therefore, necessary measures should be taken in this regard.

Keywords: Knowledge sharing, Intention to unity, Faculty members of University of Birjand, Teachers of seminary schools

Article type: Research

How to cite:

Hashemzadeh, M. J., Akbarian, S., Sangari, M., Rezaee, A., Asadi Yunesi, M. R. (2022). The Role of Knowledge Sharing in the Desire to Unification among the Faculty Members of University and Teachers of Islamic Seminary. *Library and Information Sciences*, 25(4), 139-159.

ARTICLE INFO

Article history:

Received: 19/10/2021

Received in revised form: 03/12/2021

Accepted: 19/12/2021

Available online: 12/03/2023

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi
Library and Information Sciences, 2022, Vol. 25, No.4, pp. 139-159.

© The author(s)



نقش اشتراک‌گذاری دانش در تمایل به وحدت بین اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه

محمدجواد هاشم‌زاده^۱

* نویسنده مسئول، دانشیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: hashemzadeh@birjand.ac.ir

سمیرا اکبریان^۲

دانش‌آموخته کارشناسی‌ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: samira.isk89@gmail.com

محمود سنگری^۳

استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: msangari@birjand.ac.ir

علی رضایی^۴

استادیار گروه حقوق دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: arezaei@birjand.ac.ir

محمدرضا اسدی یونسی^۵

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بیرجند، بیرجند، ایران. رایانامه: yoonsi.mr52@birjand.ac.ir

چکیده

هدف: امروزه با توجه به اهمیت دانش و فعالیت‌های مربوط به آن در پیشرفت کشور و سازمان‌ها، همکاری علمی میان نخبگان و سایر اقشار مختلف جامعه می‌تواند به رشد و پیشرفت کشور و وحدت و همدلی میان آن‌ها منجر شود که در پژوهش حاضر این مهم مورد توجه قرار گرفته است. پژوهش حاضر سعی بر این دارد نقش و میزان اشتراک‌گذاری دانش در تمایل به وحدت بین اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه را بین دو گروه مورد بررسی قرار دهد.

روش‌شناسی: با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسشنامه‌های اشتراک‌گذاری دانش و تمایل به وحدت انجام شده است. جامعه آماری نمونه‌ای به حجم ۱۹۸ نفر از اعضای هیئت علمی دانشگاه بیرجند و مدرسان حوزه علمیه بیرجند بودند. به منظور تجزیه و تحلیل داده‌ها، از روش‌های آماری توصیفی (شامل فراوانی، درصد و میانگین و انحراف استاندارد) و استنباطی (شامل آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره، ضریب همبستگی پیرسون، آزمون رگرسیون چندمتغیره) و آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده شد.

یافته‌ها: در اشتراک‌گذاری دانش بین حوزویان و دانشگاهیان در مؤلفه باورهای کنترلی و نمره کل اشتراک‌گذاری دانش تفاوت معنی‌دار وجود داشت (به نفع دانشگاهیان). همچنین نتایج نشان داد که در تمایل به وحدت بین حوزویان و دانشگاهیان در مؤلفه‌های قدرت تحمل دیگری (به نفع حوزویان) و کنش ارتباطی (به نفع دانشگاهیان) به صورت معنی‌داری تفاوت وجود داشت. بین نمره باورهای کنترلی و تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان) و تمایل به وحدت و بین نگرش و باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) و هنجار سازمانی؛ بین باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) با احساس برادری و بین رفتار اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) با کنش ارتباطی، هنجار سازمانی و تمایل به وحدت رابطه مثبت معنی‌داری وجود داشت. میانگین اشتراک‌گذاری دانش یا قشر مقابل در بین هر دو گروه به صورت معنی‌داری کمتر از حد مطلوب بود. نمره کل اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان) با تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن رابطه معنی‌داری داشت اما نمره کل اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) تنها با هنجار سازمانی و تمایل به وحدت رابطه معنی‌دار داشت. همچنین نتایج نشان داد که نگرش، باورهای کنترلی و تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان) و رفتار اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) به طور معنی‌داری پیش‌بینی‌کننده تمایل به وحدت بودند. اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان توسط حوزویان تنها عاملی نیست که در تمایل به وحدت آن‌ها با دانشگاهیان رابطه دارد، بلکه عواملی نظیر عوامل فناورانه، زمینه‌های تخصصی غیرمشترک، عوامل سازمانی و غیره در تمایل به وحدت آن‌ها مؤثرند.

نتیجه‌گیری: نتایج به دست آمده نشان داد که اشتراک‌گذاری دانش و همکاری علمی در تمایل وحدت میان دو قشر از اهمیت اساسی برخوردار است. از آنجا که باورکنترلی تحت تأثیر شرایط تسهیلگر و فناوری تسهیلگر قرار دارد، ایجاد شبکه‌های مشترک نرم‌افزاری مدیریت دانش تخصصی برای هر دو گروه در محیط وب تأثیر مفیدی بر اشتراک‌گذاری دانش و وحدت میان این دو گروه خواهد داشت. بنابراین، باید اقدامات لازم در این زمینه صورت گیرد.

کلیدواژه‌ها: اشتراک‌گذاری دانش، تمایل به وحدت، عضو هیئت علمی دانشگاه بیرجند، مدرسان حوزه علمیه

نوع مقاله: پژوهشی

استناد:

هاشم‌زاده، محمدجواد؛ اکبریان، سمیرا؛ سنگری، محمود؛ رضایی، علی؛ اسدی یونسی، محمدرضا (۱۴۰۱). نقش اشتراک‌گذاری دانش در تمایل به وحدت بین اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه. *کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۲۵ (۴)، ۱۳۹-۱۵۹.

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۷/۲۷ تاریخ ویرایش: ۱۴۰۰/۹/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۸/۲۸ تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۲۱

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۱، دوره ۲۵، شماره ۴، شماره پیاپی ۱۰۰، صص. ۱۳۹-۱۵۹.

© نویسندگان



مقدمه

امروزه جوامع و پیشرفت‌های آنان مدیون دانش، فناوری‌ها، عقاید و نظریه‌های افرادی هستند که نیروی نخبه و رهبران علمی و نیروی اصلی کار محسوب می‌شوند. عقاید و دانش و باورهای افراد اندیشمند همواره راهگشای مشکلات و کمبودهای جوامع بوده و به نحوی هر جامعه‌ای تحت تأثیر و هدایت نیروی نخبه فرهنگی است. فرهنگ یکی از بخش‌های مهم هر جامعه‌ای است و کنشگران و فعالان مهم و اثربخش فرهنگ در جامعه کنونی ما، دانشگاهیان و حوزویان هستند. در جامعه امروزی ما کمتر کسی را می‌توان مشاهده کرد که در حوزه فرهنگ در قالبی علمی و نظام‌مند سخنی برای گفتن داشته باشد، اما از یکی از این دو نهاد تأثیر مستقیم یا غیرمستقیمی پذیرفته باشد، یعنی حداقل در یکی از این دو نهاد به تحصیل و کسب علم نپرداخته باشد. در کنار همکاری و تعامل این دو گروه برای اداره کشور، در برخی موارد اندک رقابت‌ها و تعارض‌هایی نیز به چشم می‌خورد. رسیدن به چشم‌اندازی از همبستگی، وحدت و همکاری میان آن‌ها در گرو شناخت نگرش‌ها، احساس وابستگی و نیاز آن‌ها به یکدیگر، مشارکت آن‌ها و همکاری و تعاملات آن‌ها با همدیگر است، زیرا نگرش‌ها و تمایلات هدایتگر اعمال افراد هستند (احمدی و افشانی، ۱۳۸۷).

اشتراک‌گذاری دانش زمانی اتفاق می‌افتد که دانشمندان داده‌های خود را جهت استفاده دیگر پژوهشگران جهت انجام پژوهش یا دیگر فعالیت‌های پژوهشی با سایر افراد به اشتراک قرار دهند (تنوپیر و دیگران^۱، ۲۰۱۵). در واقع به اشتراک‌گذاری دانش فرایند ارتباط بین افراد، انتقال و کسب دانش است (کیخا، ۱۳۹۷) و برتری دانش زمانی حاصل می‌شود که آن دانش به اشتراک گذاشته شود (کردی و دیگران^۲، ۲۰۲۰). تحقیقات حاکی از آن است که فرهنگ اشتراک‌گذاری دانش، یکی از مهم‌ترین عوامل اجرای اثربخش مدیریت دانش در سازمان‌هاست. زمانی که افراد اطلاعات، فعالیت‌های مؤثر، دیدگاه‌ها، تجربیات، درس‌های آموخته‌شده عملی یا غیرعملی خود را با سایر افراد به اشتراک می‌گذارند، بهره‌وری در قسمت‌های مختلف سازمان ارتقا پیدا می‌کند (تانگاراچا و دیگران^۳، ۲۰۱۶). در واقع، به اشتراک‌گذاری دانش فرایند ارتباط بین افراد، انتقال و کسب دانش است (یاوو، تسانگ و فانگ^۴، ۲۰۱۵).

دانشگاه‌ها می‌توانند به عنوان محیطی آموزشی و پژوهشی، مکانی مناسب برای به اشتراک‌گذاری دانش و پیاده‌سازی فرهنگ اشتراک دانش به شمار آیند. در واقع دانشگاه‌ها نیز در فضای رقابتی قرار گرفته‌اند و ضروری است اطمینان یابند که در این محیط نیز دانش خلق، منتقل و بین افراد به اشتراک گذاشته می‌شود.

1. Tenopir & et al
 2. Kurdi & et al
 3. Tangaraja & et al
 4. Yao, Tsai & Fang

در این بین اعضای هیئت علمی به عنوان مهمترین عنصر سازنده مؤسسات دانشگاهی در حوزه تولید و کاربرد دانش به شمار می‌روند. فعالیت‌های عمده آنان در حوزه تدریس، تحقیق، مشاوره و انجام فعالیت‌های مرتبط با حرفه است (جعفرزاده کرمانی، ۱۳۹۴).

از دیدگاه نیومن (۲۰۰۶) مدیریت دانش مجموعه‌ای از فرآیندها شامل پدیدآوری، اشاعه و به کارگیری دانش ذهنی و عینی در یک سازمان است. از منظر اسلام نیز مدیریت دانش به تلاش برای تحقق بخشیدن به دانایی و آگاهی کارکنان، مدیران و ذینفعان درونی و بیرونی سازمان از طریق فرایند سکوت، کسب، نگهداری و به کارگیری دانش و انتشار آن، برگرفته از آموزه‌های اسلامی برای نیل به اهداف متأثر از نظام ارزشی اسلام تعریف شده است و زمانی فرآیند آن تکمیل می‌شود که به اشتراک گذاشته شود (منطقی و اکبری، ۱۳۹۲). بنابراین، توجه به مدیریت دانش و فرآیندهای دانش امری مهم است و دو قشر عظیم فکری کشور یعنی حوزویان و دانشگاهیان باید در راستای اشتراک دانش با هم تعامل داشته باشند. به عبارتی، بررسی نقش مدیریت دانش و به خصوص اشتراک دانش در میزان تمایل و گرایش این دو قشر نسبت به وحدت به یکدیگر امری مهم به شمار می‌رود و تمایل به وحدت میان این دو قشر را تبیین می‌کند. بنابراین، آگاهی از نگرش، تمایل به اشتراک‌گذاری واقعی دانش در بین حوزویان و دانشگاهیان می‌تواند در تعیین میزان باورها، نگرش‌ها و هنجارها به عنوان عناصری اثربخش و تعیین‌کننده در تمایل به وحدت میان این دو حوزه با یکدیگر مفید واقع شود.

در راستای تولید علم در کشور دو نهاد عمده حوزه و دانشگاه وجود دارند که امروزه در پژوهش‌ها و فرآیندهای علمی و دینی مولدان علم محسوب شده و هم ترویج‌دهنده و هم تبلیغ‌کننده آن هستند. در پی همکاری و تلاش‌های مشترک این دو نهاد امکان رشد بیشتری برای تولید علم وجود خواهد داشت. بنابراین، این دو حوزه باید توجهشان را به وظیفه اصلی خود (تولید علم) معطوف کنند (آذربایجانی، ۱۳۹۲).

گانگولی و دیگران^۱ (۲۰۱۹)، اشتراک‌گذاری دانش را یکی از عوامل ایجاد نوآوری برشمرده‌اند که در این پژوهش، نقش میانجی اشتراک‌گذاری دانش، تأیید شده است. پژوهش حاضر در صدد بررسی نقش یکی از فرآیندهای اصلی مدیریت دانش یعنی اشتراک‌گذاری دانش است و چون افراد این فرایند را محقق می‌سازند، تحت تأثیر عوامل مختلفی هستند که بر رفتار و تمایلات آن‌ها (مانند رفتار اشتراک‌گذاری دانش) اثرگذار است. در راستای اندازه‌گیری رفتار می‌توان به نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده اجزن اشاره کرد که طبق آن نگرش، هنجار ذهنی و کنترل رفتاری پیشبین تمایل و تمایل پیشبین رفتار واقعی است (اجزن^۲، ۱۹۹۱).

1. Ganguly & et al

2. Ajzen

رفتار واقعی به مجموعه اقدامات و اعمالی واقعی اشاره دارد که برای انجام یک رفتار انجام می‌گیرند. رفتار واقعی یا رفتار اشتراک‌گذاری عبارت است از مجموعه رفتارهایی که تبادل دانش و اطلاعات و کمک کردن به دیگران در این خصوص و همچنین رفتاری فراتر از نقش کارمند در محیط کاری را شامل می‌شود و شبیه رفتارهای شهروند سازمانی است که به طور اختیاری و داوطلبانه در سازمان‌ها انجام می‌شود (یوسفی، مرادی و تیشه‌ورز دائم، ۱۳۸۹).

همکاری پژوهشگران دانشگاه‌ها و مؤسسات علمی-پژوهشی و همچنین حوزه‌های دینی مانند پژوهشگران حوزه اسلامی و حوزه‌های علمیه در جامعه اسلامی اهمیت انکارناپذیری دارد. به علاوه، در شرایط کنونی که کشورهای ابرقدرت و کفار از هیچ کوششی برای ضربه زدن به استقلال، عزت، و افتخار کشورهای اسلامی به خصوص ایران اسلامی دریغ نمی‌کنند و با تحریم‌های اقتصادی شدیدی که علیه نظام جمهوری اسلامی اعمال کرده‌اند تا از این طریق بتوانند راهی برای نفوذ به کشور پیدا کنند؛ همکاری، همیاری و همدلی میان کلیه افراد کشور به خصوص متخصصان دانشگاهی و روحانیون که سردمداران اداره کشور هستند بیش از پیش اهمیت پیدا کرده است.

جستجوی پژوهشگران در پیشینه علمی داخل کشور نشان داد که تاکنون پژوهشی که تمام جنبه‌های این مطالعه را همزمان مورد بررسی قرار داده باشد مشاهده نشده و علی‌الخصوص در زمینه نقش اشتراک‌گذاری دانش در تمایل به وحدت بین جامعه مورد نظر کمتر پژوهشی صورت گرفته است؛ اما مرور پیشینه‌ها نشان داد که در پژوهشی مرتبط رعیتی (۱۳۹۲) به صورت موردی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش بین حوزه علمیه و دانشگاه یزد را مورد بررسی قرارداد. روش پژوهش وی توصیفی-پیمایشی بوده و از تعداد ۲۷ عضو هیئت علمی و ۵۱ استاد حوزه علمیه خواهران و برادران جهت پاسخگویی به پرسشنامه و گردآوری داده‌ها استفاده شد. نتایج پژوهش وی نشان داد که تأثیر اشتراک‌گذاری دانش در زمینه عوامل فردی، بین هیئت علمی برابر با ۲/۰۷ (۳۸/۴ درصد) و بین اساتید و علمای حوزه علمیه یزد ۱/۶ (۳۲ درصد)؛ رتبه تأثیر اشتراک دانش در زمینه عوامل سازمانی، بین اعضای هیئت علمی دانشگاه یزد ۱/۸۹ (۳۷/۸ درصد) و در بین اساتید حوزه علمیه ۱/۷ (۳۴ درصد)؛ رتبه تأثیر اشتراک دانش در زمینه عوامل مشترکات محتوایی، بین اعضای هیئت علمی ۲/۱۹ (۴۳/۸ درصد) و در بین اساتید حوزه علمیه یزد ۱/۸ (۳۶ درصد) و رتبه تأثیر اشتراک دانش در زمینه عوامل فناوری اطلاعات، بین اعضای هیئت علمی ۱/۶۱ (۳۲/۲ درصد) است و بین اساتید حوزه علمیه یزد ۱/۵۵ (۳۱ درصد) بود. همچنین یافته‌های پژوهش وی نشان داد که تفاوت معنی‌داری در اشتراک دانش در زمینه عوامل فردی، سازمانی، اشتراک محتوایی و فناوری اطلاعات بین اعضای هیئت علمی دانشگاه یزد و اساتید حوزه علمیه یزد وجود نداشت. وی در پژوهش خود ذکر کرده که با وجود اقدامات

بسیاری نظیر برگزاری همایش‌های مشترک، گنجاندن دروس معارف، اخلاق و متون اسلامی در نظام آموزشی دانشگاه‌ها، ورود برخی روحانیون به دانشگاه‌ها و بالعکس؛ هنوز شکاف علمی بین حوزه و دانشگاه پر نشده و البته تقویت و گستردگی این اقدامات می‌تواند گامی بلند در جهت وحدت علمی و عملی حوزه و دانشگاه باشد. به علاوه، وی بیان کرده که از این نظر که مهم‌ترین رسالت این دو نهاد علمی کشور تربیت نیروی متفکر و تولید و تسهیم دانش است و همچنین با وجود تفاوت‌ها و شباهت‌های ساختاری و آموزشی میان حوزه و دانشگاه، اشتراک‌گذاری دانش بین این دو نهاد از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار بوده و به تبع آن سنجش اشتراک‌گذاری دانش میان این دو نهاد از اهمیت بسزایی برخوردار بوده و می‌تواند نگرش و دیدگاه روشن‌تر و واضح‌تری نسبت به وحدت میان این دو حوزه پیش روی محققان باز کند.

احمدی و افشانی (۱۳۸۷) در پژوهشی پیمایشی به بررسی نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان نسبت به یکدیگر در بین ۵۰۰۰ نفر از دانشگاهیان و ۱۰۰۰ نفر از حوزویان پرداختند. آن‌ها با استفاده از مصاحبه به جمع‌آوری داده‌ها پرداختند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها نشان داد که در مجموع حوزویان نگرش مثبت‌تری نسبت به دانشگاهیان دارند و در این میان حوزویان تمایل بیشتر و دانشگاهیان تمایل کمتری برای نزدیک شدن به نهاد دیگر از خود نشان دادند. همچنین نتایج نشان داد که مناسبات و ارتباطات حوزه و دانشگاه در سطح پایینی بوده و فاصله اجتماعی دو نهاد بسیار زیاد بود. از طرفی دیگر، نتایج پژوهش آن‌ها حاکی از آن بود که افراد دانشگاهی مسن‌تر در مقایسه با افراد جوان‌تر، دانشگاهی‌های متأهل در مقایسه با دانشگاهیان مجرد، اساتید در مقایسه با دانشجویان، دانشگاهیان دارای تحصیلات بالا در مقایسه با افراد دارای سطح تحصیلی پایین‌تر، حوزویان مسن‌تر در مقایسه با حوزویان جوان‌تر، حوزویان متأهل در مقایسه با حوزویان مجرد و مدرسین در مقایسه با طلاب نگرش مثبت‌تری نسبت به افراد نهاد مقابل داشتند. بر اساس نتایج و یافته‌های حاصل از پژوهش آنان می‌توان دریافت که نگرش مثبت‌تر به قشر مقابل، با افزایش سن و سابقه تحصیل مرتبط بوده و این گونه می‌توان استنباط کرد که ادراک و فهم بالایی که در نتیجه عواملی چون تجربه که از راه سن و سابقه تحصیل و فعالیت‌های علمی به دست آمده باشد، می‌تواند منجر به چنین نگرش مثبتی شده باشد. به عبارتی دیگر، این احتمال وجود دارد که افرادی که نگرش مثبت کمتر و پایین‌تری داشته‌اند هنوز به اهمیت درک روابط و همکاری با قشر مقابل پی نبرده باشند.

در پژوهش رفتار اشتراک‌گذاری دانش اعضای هیئت علمی در دانشگاه‌های دولتی و خصوصی کشور مالزی توسط گو و ساندهو^۱ (۲۰۱۳) مورد بررسی قرار گرفتند؛ نتایج نشان داد که نگرش، هنجارهای ذهنی، کنترل رفتاری درک شده، تعهد عاطفی و اعتماد، قصد اشتراک‌گذاری دانش بین اعضای هیئت علمی را تحت

تأثیر قرار می‌دهند. کنترل رفتاری درک‌شده بیشترین تأثیر و اعتماد و تعهد عاطفی کمترین تأثیر را بر قصد به اشتراک‌گذاری دانش داشتند. طبق نتایج تحقیق، دانشگاه‌های دولتی مالزی در مقایسه با دانشگاه‌های خصوصی مالزی در تمامی سازه‌های مدل رفتار برنامه‌ریزی شده از میانگین بالاتری برخوردار بودند، بدین معنی که اشتراک‌گذاری دانش در دانشگاه‌های دولتی نسبت به دانشگاه‌های خصوصی در وضعیت مطلوب‌تری قرار داشت.

با شناخت نقش رفتار اشتراک‌گذاری دانش در وحدت در دو جامعه مورد نظر می‌توان با دیدگاهی علمی‌تر موجب نزدیک شدن آراء، عقاید و دانش اعضای هیئت علمی و مدرسان حوزه علمیه شد و به تقویت و هم‌افزایی دانش و نظرات آن‌ها کمک کرد و همچنین با توجه به اهمیت دانش و اشتراک‌گذاری آن در بین متخصصان و عوامل تأثیرگذار مختلف در زمینه به اشتراک‌گذاری دانش و همچنین با توجه به رویدادهای تاریخی مهم در نظام جمهوری اسلامی که بر اثر همکاری و همیاری حوزویان و دانشگاهیان به وجود آمده است؛ نقش اشتراک‌گذاری دانش در تمایل به وحدت میان اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه و به عنوان یکی از نقاط برجسته و قابل اتکای این وحدت، مسئله اساسی مورد توجه پژوهش حاضر است. بنابراین، در این پژوهش، پرسش‌های زیر مطرح شد:

آیا میزان اشتراک‌گذاری دانش اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه با هم متفاوت است؟

آیا تمایل به وحدت اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه با هم متفاوت است؟

نقش متناظر مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با مؤلفه‌های تمایل به وحدت چگونه است؟

روش‌شناسی

این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از لحاظ شیوه اجرا از نوع توصیفی-همبستگی و گردآوری داده‌ها به روش پیمایشی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را کلیه اعضای هیئت علمی دانشگاه بیرجند و کلیه اساتید حوزه علمیه شهر بیرجند تشکیل دادند. بر اساس آمارهای به دست آمده در زمان اجرای پژوهش تعداد اعضای هیئت علمی دانشگاه بیرجند (۳۴۲ نفر) و اساتید حوزه علمیه (۹۸ نفر) برابر با ۴۴۰ نفر تشکیل دادند. در پژوهش حاضر برای انتخاب نمونه از بین جامعه مورد نظر، از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای نسبتی استفاده شد. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۱۹۸ نفر تعیین شد (هیئت علمی دانشگاه ۱۵۴ و اساتید حوزه علمیه ۴۵) که برای جلوگیری از ریزش نمونه ۱۶۰ پرسشنامه در بین اعضای هیئت علمی دانشگاه و ۶۵ پرسشنامه بین اساتید حوزه علمیه توزیع شد. پس از توزیع پرسشنامه‌ها با پیگیری محقق، ۱۸۸ پرسشنامه عودت داده شد (۱۲۷ پرسشنامه از اعضای هیئت علمی دانشگاه و ۶۱ پرسشنامه از اساتید حوزه علمیه). قابل

ذکر است که در هنگام توزیع پرسشنامه‌ها، از پاسخ‌دهندگان که هم در حوزه و هم در دانشگاه تدریس داشتند، خواسته شد که به پرسشنامه‌ها پاسخ ندهند.

در این پژوهش علاوه بر مشخصات جمعیت شناختی (اطلاعات مربوط به سن، سابقه خدمت، حوزه آموزشی، مرتبه علمی، سطح تحصیلات و محل خدمت) از دو پرسشنامه دیگر به عنوان ابزار گردآوری داده‌ها استفاده شد. برای اندازه‌گیری میزان اشتراک‌گذاری دانش از پرسشنامه رفتار اشتراک دانش چنامانی^۱ (۲۰۰۶) استفاده شد که دارای مؤلفه‌های نگرش، باورهای هنجاری، باورهای کنترلی، تمایل به اشتراک‌گذاری دانش و رفتار واقعی اشتراک‌گذاری دانش هستند. برای سنجش میزان تمایل به وحدت پرسشنامه علی‌بابایی (۱۳۷۸) استفاده شد و برخی شاخص‌های آن مورد استفاده قرار گرفت. این شاخص‌ها عبارتند از: قدرت تحمل دیگری، خوشبینی نسبت به دیگری، احساس برداری و کنش ارتباطی. به علاوه شاخص هنجار سازمانی به عنوان یکی از شاخص‌های مورد بررسی برای سنجش تمایل به وحدت مورد استفاده قرار گرفت. این شاخص از پژوهش تامسون و دیگران (۲۰۰۷) اقتباس شد که به عنوان شاخصی برای سنجش همکاری مورد استفاده قرار گرفته بود.

الف) پرسشنامه رفتار اشتراک‌گذاری دانش: این پرسشنامه از ۳۰ گویه و پنج خرده مقیاس نگرش (گویه ۱-۵)، باورهای هنجاری (گویه ۶-۱۰)، باورهای کنترلی (گویه ۱۱-۱۶)، تمایل (گویه ۱۷-۲۳) و رفتار واقعی (گویه ۲۴-۳۰) تشکیل شده است؛ برای سنجش روایی، از روش روایی صوری با استفاده از نظر اساتید استفاده شده و نمره پایایی، بین ۰/۷۰ تا ۰/۹۶ به دست آمد که نشان می‌دهد پرسشنامه اشتراک‌گذاری دانش از اعتبار درونی لازم برخوردار است.

ب) پرسشنامه تمایل به وحدت: این پرسشنامه از ۴۶ گویه و ۵ خرده مقیاس قدرت تحمل دیگری (۱۰ گویه)، خوشبینی نسبت به دیگری (۲۰ گویه)، احساس برادری (۱ گویه) با طیف بوگاردوس، کنش ارتباطی (۷ گویه) و هنجار سازمانی (۸ گویه) تشکیل شده است. روایی پرسشنامه از نظر خبرگان حوزه و دانشگاه قابلیت لازم را دارا بود و ضریب آلفای کرونباخ برای تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن به تفکیک دو گروه (حوزویان و دانشگاهیان) بین ۰/۵۹ تا ۰/۹۵ به دست آمد که نشان می‌دهد ابزار از پایایی لازم برخوردار است.

یافته‌های پژوهش

آمارهای توصیفی برای متغیرهای جمعیت‌شناختی پژوهش این‌گونه بیان می‌شود که از بین دانشگاهیان شرکت‌کننده در این پژوهش (۱۲۷ نفر)، بالاترین میزان تحصیلات، ۱۱۶ نفر (۹۱/۳) به دکتری و کمترین

تعداد، ۱ نفر (۰/۸) به سطح تحصیلات کارشناسی اختصاص یافت. بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان در حوزه آموزشی علوم محض بوده که ۳۰ نفر یعنی ۲۳/۶ درصد از کل شرکت‌کنندگان دانشگاهی را به خود اختصاص داده و کمترین تعداد مربوط به حوزه آموزشی تربیت بدنی بود که تعداد ۴ نفر (۳/۱ درصد) را به خود اختصاص دادند. به علاوه بیشترین تعداد شرکت‌کنندگان دارای مرتبه علمی استادیاری، ۹۱ نفر (۷/۷۱ درصد) و کمترین تعداد به مرتبه علمی استادی به تعداد ۲ نفر (۱/۶ درصد) اختصاص داشت. میانگین سنی دانشگاهیان، ۴۲/۴۸ و سابقه خدمتی آن‌ها، ۱۲/۵۴ سال بود.

از بین ۶۱ نفر حوزوی شرکت‌کننده در این پژوهش بیشترین تعداد در حوزه علمیه رضویه، ۱۹ نفر (۳۱/۱ درصد) خدمت می‌کردند و حوزه علمیه امام حسن و سفیران هدایت به صورت مشابه کمترین تعداد یعنی ۶ نفر (۹/۸ درصد) را از لحاظ محل خدمت به خود اختصاص دادند. از کل شرکت‌کنندگان حوزوی بیشترین تعداد ۳۱ نفر (۵۰/۸ درصد) دارای تحصیلات سطح سه و کمترین تعداد ۴ نفر (۶/۶ درصد) دارای تحصیلات سطح یک بودند. میانگین سنی حوزویان برابر با ۳۲/۲۰ سال و میانگین سابقه خدمت آن‌ها ۷/۵۶ سال بود.

پرسش ۱. آیا میزان اشتراک‌گذاری دانش اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه

با هم متفاوت است؟

برای پاسخ به این پرسش از روش تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. قبل از تحلیل پیش فرض‌های

این روش آماری بررسی شد که نتایج آن به شرح زیر است:

جدول ۱. آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها جهت سنجش تفاوت در میزان اشتراک‌گذاری دانش بین حوزویان و دانشگاهیان

متغیرها	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۰/۹۴۷	۱	۱۸۶	۰/۳۳۲
باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۱/۵۸۵	۱	۱۸۶	۰/۲۱۰
باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۰/۰۰۱	۱	۱۸۶	۰/۹۸۲
تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۰/۳۱۸	۱	۱۸۶	۰/۵۷۴
رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۱/۳۹۷	۱	۱۸۶	۰/۲۳۹
نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۰/۲۲۴	۱	۱۸۶	۰/۶۳۷
باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۱/۰۵۴	۱	۱۸۶	۰/۳۰۶
باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۰/۰۲۱	۱	۱۸۶	۰/۸۸۴
تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۰/۲۷۳	۱	۱۸۶	۰/۶۰۲
رفتار اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۰/۸۸۳	۱	۱۸۶	۰/۳۴۹
کل اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۴/۵۰۶	۱	۱۸۶	۰/۰۳۵
کل اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۳/۲۳۵	۱	۱۸۶	۰/۰۷۴

همان طور که در جدول فوق مشاهده می‌شود آماره لوین برای کلیه متغیرها (به جز نمره کل مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان $p < 0/05$) در سطح $p > 0/05$ قرار دارد، بدین معنی که فرض همگنی واریانس‌ها برای این متغیرها نقض نشده است و شرایط برای اجرای آزمون تحلیل واریانس چند متغیره فراهم است.

جدول ۲. آزمون چندمتغیره برای بررسی معنی‌داری تفاوت نمرات اشتراک‌گذاری دانش و مؤلفه‌های آن در بین دو گروه (حوزویان و دانشگاهیان)

اثرات	ارزش	F	سطح معنی‌داری
لامبدای ویکلز	۰/۶۵۰	۹/۵۳۸	۰/۰۰۰

مقدار به دست آمده از آماره لامبدای ویکلز در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵، نشان می‌دهد که حداقل در اشتراک‌گذاری دانش یا یکی از مؤلفه‌های آن بین دو گروه (حوزویان و دانشگاهیان) تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۳. آزمون اثرات میان متغیرها برای بررسی تفاوت نمره‌های اشتراک‌گذاری دانش و مؤلفه‌های آن در بین دو گروه (حوزویان و دانشگاهیان)

متغیر وابسته	مجموع مجذورات نوع سوم	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۴/۵۱۱	۱	۴/۵۱۱	۰/۴۱۵	۰/۵۲۰
باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۴۰/۹۷۲	۱	۴۰/۹۷۲	۱/۳۲۵	۰/۲۵۱
باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۶۲۰/۶۰۹	۱	۶۲۰/۶۰۹	۱۶/۵۱۴	۰/۰۰۰
تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۴۶/۰۵۵	۱	۴۶/۰۵۵	۱/۳۰۹	۰/۲۵۴
رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۳۱/۵۳۵	۱	۳۱/۵۳۵	۰/۷۱۷	۰/۳۹۸
نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۰/۲۶۱	۱	۰/۲۶۱	۰/۰۲۸	۰/۸۶۷
باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۳/۶۰۵	۱	۳/۶۰۵	۰/۱۱۴	۰/۷۳۶
باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۸۱۸/۰۶۲	۱	۸۱۸/۰۶۲	۲۲/۸۳۵	۰/۰۰۰
تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۶۹/۴۰۶	۱	۶۹/۴۰۶	۲/۰۹۳	۰/۱۵۰
رفتار اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۹۴/۲۳۶	۱	۹۴/۲۳۶	۲/۱۷۴	۰/۱۴۲
نمره کلی اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۳۳/۱۵۲	۱	۳۳/۱۵۲	۲/۳۰۳	۰/۱۳۱
نمره کلی اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۷۸/۲۵۴	۱	۷۸/۲۵۴	۵/۷۷۷	۰/۰۱۷

به منظور روشن شدن این موضوع که در کدام یک از مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش بین نمرات دو گروه (حوزویان و دانشگاهیان) تفاوت وجود دارد، از آزمون اثرات میان متغیرها استفاده شد. با توجه به نتایج ارائه

شده در جدول فوق، مقدار F به دست آمده برای مؤلفه‌های باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دو گروه)، باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط دو گروه) و نمره کل مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط دو گروه) در سطح $p < 0/05$ قرار دارد که نشان می‌دهد حوزویان و دانشگاهیان در این سه مؤلفه با هم تفاوت دارند. بر حسب یافته‌های توصیفی ارائه شده نمره باورهای کنترلی اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان در بین دانشگاهیان با ارزش میانگین ($M=32/11$) و در بین حوزویان دارای ارزش میانگین ($31/293$) است که نمره دانشگاهیان بیشتر است؛ و همچنین نمره باورهای کنترلی اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان در بین دانشگاهیان دارای میانگین ($M=32/229$) و در بین حوزویان دارای میانگین ($M=27/773$) بود که نمره دانشگاهیان بیشتر از حوزویان است؛ و همچنین نمره کل مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان در بین حوزویان دارای ارزش میانگین ($M=33/119$) و در بین دانشگاهیان دارای ارزش میانگین ($M=34/497$) است که برتری از آن دانشگاهیان است. بین دیگر مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش در بین دو گروه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. از طرفی دیگر، بدین منظور که بتوان به این نتیجه رسید که نمره دانشگاهیان از لحاظ اشتراک‌گذاری دانش با خودشان بیشتر است یا با حوزویان و یا نمره حوزویان از لحاظ اشتراک‌گذاری دانش با خودشان بیشتر است یا با دانشگاهیان، به جز آمارهای ارائه شده مربوط به میانگین نمراتشان از لحاظ مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش نمی‌توان از آزمون خاصی استفاده کرد. برای این منظور از یافته‌های ارائه شده توصیفی استفاده می‌شود که نتایج آن به این شرح است: یافته‌های ارائه شده نشان می‌دهد که میانگین نمره دانشگاهیان در مؤلفه‌های نگرش، باورهای هنجاری، باورهای کنترلی، تمایل، رفتار اشتراک‌گذاری دانش و کل مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش بیشتر از میانگین نمره آن‌ها در این مؤلفه‌ها با حوزویان است. از طرفی دیگر، میانگین نمره حوزویان در مؤلفه‌های نگرش، باورهای کنترلی، تمایل، رفتار اشتراک‌گذاری دانش و نمره کل مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با خودشان بیشتر از میانگین نمره‌هایشان در این مؤلفه‌ها با دانشگاهیان است. درحالی که میانگین نمره حوزویان در باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با خودشان کمتر از نمره باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش آن‌ها با دانشگاهیان است.

پرسش دوم: آیا تمایل به وحدت اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه با هم

متفاوت است؟

برای پاسخ به پرسش فوق از آزمون تحلیل واریانس چندمتغیره استفاده شد. قبل از تحلیل پیش

فرض‌های این روش آماری بررسی شد که نتایج آن به شرح زیر است.

جدول ۴. آزمون لوین برای بررسی همگنی واریانس‌ها

متغیرها	F	درجه آزادی ۱	درجه آزادی ۲	سطح معنی‌داری
قدرت تحمل دیگری	۲/۵۲۲	۱	۱۸۶	۰/۱۱۴
احساس خوش‌بینی	۸/۷۶۲	۱	۱۸۶	۰/۰۰۳
احساس برادری	۱۲/۷۲۸	۱	۱۸۶	۰/۰۰۰
کنش ارتباطی	۲/۶۸۴	۱	۱۸۶	۰/۱۰۳
هنجار سازمانی	۱۷/۸۶۷	۱	۱۸۶	۰/۰۰۰
تمایل به وحدت کلی	۱۸/۷۰۶	۱	۱۸۶	۰/۰۰۰

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود، آماره لوین برای متغیرهای قدرت تحمل دیگری و کنش ارتباطی در سطح $p > ۰/۰۵$ قرار دارد، بدین معنی که فرض همگنی واریانس‌ها برای این متغیرها نقض نشده است ولی برای دیگر متغیرها این گونه نیست.

جدول ۵. آزمون چندمتغیره برای بررسی معنی‌داری تفاوت نمرات تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن در بین دو گروه (حوزویان و دانشگاهیان)

اثرات	ارزش	F	سطح معنی‌داری
لامبدای ویکلز	۰/۸۵۱	۶/۳۷۳	۰/۰۰۰

مقدار به دست آمده از لامبدای ویکلز، در سطح معنی‌داری کمتر از $۰/۰۵$ ، نشان می‌دهد که بین دو گروه (حوزه و دانشگاه) حداقل در یکی از مؤلفه‌های تمایل به وحدت تفاوت معنی‌داری وجود دارد.

جدول ۶. آزمون اثرات میان متغیرها برای بررسی تفاوت نمره‌های تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن در بین دو گروه (دانشگاهیان و حوزویان)

متغیر وابسته	مجموع مجذورات نوع سوم	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معنی‌داری
قدرت تحمل دیگری	۱۶/۸۳۸	۱	۱۶/۸۳۸	۴/۴۰۲	۰/۰۳۷
احساس خوش‌بینی	۱۱۲۱/۷۵۶	۱	۱۱۲۱/۷۵۶	۳/۴۷۵	۰/۰۶۴
احساس برادری	۰/۰۱۲	۱	۰/۰۱۲	۰/۰۰۴	۰/۹۴۷
کنش ارتباطی	۴۶۵/۲۳۰	۱	۴۶۵/۲۳۰	۵/۰۱۸	۰/۰۲۶
هنجار سازمانی	۱۰۹/۸۲۶	۱	۱۰۹/۸۲۶	۳/۲۹۹	۰/۰۷۱
تمایل به وحدت	۶۵/۱۹۰	۱	۶۵/۱۹۰	۱/۸۸۲	۰/۱۷۲

به منظور روشن شدن این موضوع که در کدام یک از نمره‌های تمایل به وحدت یا نمره‌های مؤلفه‌های آن بین دو گروه (حوزویان و دانشگاهیان) تفاوت وجود دارد، از آزمون اثرات میان متغیرها استفاده شد. با توجه به نتایج ارائه شده در جدول فوق، مقدار F به دست آمده برای مؤلفه‌های قدرت تحمل دیگری و کنش ارتباطی

در سطح $p < 0.05$ قرار دارد که نشان می‌دهد بین دو گروه حوزویان و دانشگاهیان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. بر حسب اطلاعات ارائه شده در مؤلفه قدرت تحمل دیگری در بین حوزویان دارای ارزش میانگین $(M=8/931)$ و در بین دانشگاهیان دارای ارزش میانگین $(M=8/292)$ است که برتری از آن حوزویان است؛ و مؤلفه کنش ارتباطی در بین حوزویان دارای ارزش میانگین $(M=24/388)$ و در بین دانشگاهیان دارای ارزش میانگین $(M=27/748)$ است که برتری از آن دانشگاهیان است. بین سایر مؤلفه‌های تمایل به وحدت بین دو گروه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد.

پرسش سوم: نقش متناظر مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با مؤلفه‌های تمایل به وحدت چگونه است؟

جهت پاسخ به پرسش فوق از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج آن در ادامه ارائه می‌گردد.

جدول ۷. آزمون پیرسون برای بررسی نقش متناظر مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان و مؤلفه‌های تمایل به وحدت (توسط دانشگاهیان)

مؤلفه‌های تمایل به وحدت مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش	قدرت تحمل دیگری	احساس خوش‌بینی	احساس برادری	کنش ارتباطی	هنجار سازمانی	تمایل به وحدت
نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۰/۳۴۱ ^{۱**}	۰/۲۸۸ ^{**}	۰/۰۹۴	۰/۲۸۱ ^{**}	۰/۴۰۱ ^{**}	۰/۳۵۸ ^{**}
باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۰/۲۴۶ ^{**}	۳۵۴/۰ ^{**}	۰/۱۰۷	۰/۳۶۹ ^{**}	۰/۳۷۵ ^{**}	۰/۴۱۳ ^{**}
باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۱۸۶/۰ [*]	۰/۳۴۲ ^{**}	۰/۲۰۸ ^{۲*}	۰/۴۰۴ ^{**}	۰/۳۰۴ ^{**}	۰/۴۰۵ ^{**}
تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۴۵۶/۰ ^{**}	۳۴۹/۰ ^{**}	۰/۲۷۰ ^{**}	۰/۳۶۳ ^{**}	۰/۵۱ ^{**}	۰/۴۵۶ ^{**}
رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان	۰/۲۶۰ [*]	۰/۴۰ ^{**}	۱۱۲/۰	۰/۴۱۳ ^{**}	۰/۵۱۰ ^{**}	۰/۴۴۴ ^{**}

همان‌طور که در جدول فوق ملاحظه می‌شود، ضرایب همبستگی میان متغیرهای نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان)، باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان

1. $p < 0/01$

2. $p < 0/05$

(توسط دانشگاهیان) و رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان) با احساس برادری رابطه معنی‌داری وجود نداشت. بین سایر مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان) و تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن همبستگی مثبت و معنی‌داری وجود داشت. در ادامه همبستگی میان مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) با تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن ارائه می‌گردد.

جدول ۸. آزمون پیرسون برای بررسی نقش متناظر مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان و مؤلفه‌های

تمایل به وحدت (توسط حوزویان)

مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش	مؤلفه‌های تمایل به وحدت	قدرت تحمل دیگری	احساس خوش‌بینی	احساس برادری	کنش ارتباطی	هنجار سازمانی	تمایل به وحدت
نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۱۶۷/۰	۰۴۰/۰	۰۸۲/۰	۰۵۸/۰	۲۵۹/۰*	۱۳۶/۰	
باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۰۹۴/۰	۰۵۳/۰	۱۷۴/۰	۰۵۵/۰	۳۵۴/۰**	۱۶۵/۰	
باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۲۱۹/۰	۱۴۹/۰	۳۶۴/۰**	۰۳۷/۰	۱۱۸/۰	۱۹۵/۰	
تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	۱۰۳/۰	۱۹۲/۰	۰۲۲/۰	۰۶۱/۰	۲۱۳/۰	۲۲۴/۰	
رفتار اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان	-۰۲۳/۰	۱۶۷/۰	۱۰۵/۰	۳۰۵/۰*	۲۸۹/۰*	۳۳۷/۰**	

همان طور که جدول فوق نشان می‌دهد همبستگی معنی‌دار و مثبت بین متغیرهای نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) با هنجار سازمانی، بین باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) و هنجار سازمانی وجود داشت. به علاوه باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) با احساس برادری رابطه معنی‌دار و مثبت داشت و همچنین میان رفتار اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) با کنش ارتباطی، هنجار سازمانی و تمایل به وحدت رابطه مثبت معنی‌داری وجود داشت. بین سایر مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) و تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن رابطه معنی‌داری وجود نداشت.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف نقش اشتراک‌گذاری دانش در تمایل به وحدت بین اعضای هیئت علمی دانشگاه و مدرسان حوزه علمیه صورت گرفت. یافته‌های حاصل نشان داد که حوزه و دانشگاه دو نهاد علمی و آموزشی در

کشور هستند که مهمترین رسالت آن‌ها تربیت نیروی نخبه و متفکر و تولید و تسهیم دانش است. به دلیل تفاوت‌های موجود میان این دو نهاد در زمینه تمرکزشان بر نوع علمی که به تدریس و کسب آن می‌پردازند همواره احتمال فاصله گرفتن از لحاظ وحدت علمی میان این دو نهاد وجود دارد. در کشور در راستای اداره کشور و فرهنگ و دانش کمتر کسی را می‌توان یافت که از این دو نهاد تأثیر پذیرفته باشد. بنابراین، وحدت میان این دو نهاد از دوران پیش از انقلاب و بعد از انقلاب از اهمیت فزاینده‌ای برخوردار است. توجه به فعالیت‌های مدیریت دانش در دوران کنونی نشان می‌دهد که سازمان‌هایی که به انجام فعالیت‌های مدیریت دانش نمی‌پردازند، نمی‌توانند پایداری و پیشرفت خود را تضمین کنند. در این بین اشتراک‌دانش درون سازمانی و بیرون سازمانی می‌تواند منجر به رفع نیازهای دو فردی که با هم به اشتراک دانش می‌پردازند شود و در ادامه منجر به تولید دانش جدید گردد. با توجه به اهمیت حوزه و دانشگاه به عنوان دو مرکز علمی کشور در راستای تعلیم و تربیت نیروهای خبره و متفکر اشتراک دانش بین این دو حوزه به عنوان راهی برای رسیدن به وحدت علمی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است که در پژوهش حاضر به آن توجه شد.

با توجه به ارتباط میان اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان) و ارتباط برخی مؤلفه‌های اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) می‌توان گفت که اشتراک دانش به عنوان یکی از فرایندهای مدیریت دانش در تمایل به وحدت میان حوزه و دانشگاه نقش مهمی دارد. بنابراین، دست‌اندرکاران هر دو حوزه باید برای همکاری در زمینه فعالیت‌های دانشی با قشر مقابل برنامه‌ریزی‌های لازم را صورت دهند. زیرا هم از لحاظ وضعیت اهمیت دانش در دنیای امروزی و هم به خاطر تأکید فزاینده دین اسلام و قرآن مجید بر نشر و اشتراک دانش این مسئله نباید مورد غفلت قرار گیرد. از طرفی دیگر، وحدت میان اقشار مختلف به خصوص نخبگان جامعه برای موفقیت و پایداری جوامع امروزی نقش مهمی دارد که با توجه به تهدیدهای دشمنان خارجی و تحریم‌های صورت گرفته بر ضد کشور، جهت از پا انداختن نظام جمهوری اسلامی ایران و غلبه بر کشور، وحدت و همدلی و به خصوص وحدت علمی میان این نخبگان از ضرورت والایی برخوردار است که فعالیت‌های مدیریت دانش و به خصوص اشتراک دانش در این زمینه امری مهم است.

در پژوهش حاضر، در تمایل به اشتراک‌گذاری دانش بین دو گروه تفاوت معنی‌داری مشاهده نشد. این مسئله با توجه به نظریه رفتار برنامه‌ریزی شده (اجزن، ۱۹۸۵ و نظریه عمل مستدل فیشبین و اجزن، ۱۹۷۵؛ به نقل از خراسانی، عبدالملکی و زاهدی، ۱۳۹۰) که وجود ارتباط بین باورهای هنجاری و نگرش با تمایل به انجام یک رفتار را بیان می‌کنند و همچنین با توجه به عدم تفاوت در نمره تمایل و کسب نمره مشابه در باورهای هنجاری و نگرش به اشتراک‌گذاری دانش در بین دو گروه قابل توجیه است و با نتایج پژوهش گو و ساندهو (۲۰۱۳) همراستا بوده و همچنین نتایج این بخش با نتایج پژوهش رعیتی (۱۳۹۲) که دریافت بین

اعضای هیئت علمی دانشگاه و اساتید حوزه علمیه از نظر اشتراکات محتوایی، فناوری اطلاعات، عوامل سازمانی و عوامل فردی تفاوتی وجود ندارد، همخوانی دارد.

از طرفی دیگر نتایج پژوهش حاضر نشان داد که نمره قدرت تحمل دیگری در بین حوزویان به صورت معنی‌داری بیشتر از دانشگاهیان است که نشان‌دهنده این است که قشر دانشگاهی شاید کمتر می‌توانند حوزویان را تحمل کنند و این مسئله احتمالاً به خاطر نوع نگرش این دو نهاد به علم و فعالیت‌های دانش، تخصص‌های متفاوت و عدم قرار گرفتن در یک محیط آموزشی یکسان باشد. از طرفی دیگر نمره میانگین کنش ارتباطی در بین دانشگاهیان به صورت معنی‌داری بیشتر و متفاوت از میانگین نمره حوزویان بود و نشان از آن دارد که دانشگاهیان بیشتر خواهان حضور در جلسات و کنفرانس‌های مشترک، بحث بر سر مسائل مختلف، همسفری و همراهی در سفرهای سیاحتی و زیارتی با حوزویان هستند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش احمدی و افشانی (۱۳۸۷) از این حیث که دریافت مناسبات و ارتباطات حوزه و دانشگاه در سطح پایین قرار دارد همخوانی داشته چرا که با وجود تفاوت معنی‌دار میان کنش ارتباطی حوزویان و دانشگاهیان، هنوز میانگین نمره تمایل آن‌ها کمتر از حد متوسط است. در جهت توجیه عدم تفاوت در مؤلفه‌های احساس برادری، احساس خوش‌بینی و هنجار سازمانی بین دو گروه می‌توان گفت آگاهی دو قشر از دستاوردها و سهم قشر مقابل در اداره کشور و در گسترش مرزهای علوم و تولید علم و همچنین وجود عناصر مذهبی، فرهنگی و منافع ملی مشترک و بارز بودن جایگاه دو نهاد در کشور، آن‌ها نسبت به همدیگر احساس برادری و احساس خوش‌بینانه مشابهی داشته باشند.

اشتراک‌دانش به عنوان عاملی مهم برای رقابت سازنده و پایداری سازمان‌های امروزی، از نظر دانشگاهیان بیشتر با تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن رابطه داشته و در بین حوزویان با مقداری تفاوت، اهمیت کمتری در تمایل به وحدت داشت. این مسئله را می‌توان به احتیاجات و نیازمندی اقشار مختلف جامعه به حوزویان و همچنین به این مسئله نسبت داد که اقشار خاصی مخاطب این جامعه هستند و اشتراک دانش با دانشگاهیان توسط حوزویان تنها عاملی نیست که در تمایل به وحدت آن‌ها با دانشگاهیان رابطه دارد، بلکه عواملی نظیر عوامل فناورانه، زمینه‌های تخصصی غیرمشترک، عوامل سازمانی و غیره در تمایل به وحدت آن‌ها مؤثرند. بنابراین، انجام پژوهش‌هایی که به شناسایی سایر عوامل مؤثر بر تمایل به وحدت میان دو گروه بپردازد از اهمیت خاصی برخوردار است. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش احمدی و افشانی (۱۳۸۷) از این حیث که دریافت نگرش حوزویان به دانشگاهیان مثبت‌تر است با پژوهش حاضر که دریافت حوزویان قدرت تحمل بیشتری نسبت به دانشگاهیان دارند، همخوانی دارد. کنش ارتباطی، نحوه ارتباطات و تعاملات گروه‌ها و افراد مختلف با یکدیگر ارتباط دارد. هنگامی که افراد با همدیگر در راستای فعالیت‌های علمی، مذهبی و فرهنگی

با همدیگر ارتباط داشته باشند، می‌توان گفت که به احتمال زیاد در بین آن‌ها حس یگانگی و وحدت وجود دارد. اگرچه ممکن است در برخی موارد صرفاً به علت اجبار و ناگزیر بودن، افراد با یکدیگر، به انجام برخی فعالیت‌ها بپردازند. کنش ارتباطی در پژوهش حاضر گویه‌هایی از قبیل ارتباط از طریق بحث و گفتگوهای دو جانبه علمی-فرهنگی، ارتباط از طریق رفت و آمدهای خانوادگی و فعالیت‌های سیاسی، روابط شغلی در کار، همسفری در زیارت‌های تفریحی و سیاحتی، حضور در مراسم مشترک دینی، ارتباط از طریق فعالیت‌های علمی-فرهنگی مانند تألیف کتاب و مجله در قالب تجربه‌های قبلی اندازه‌گیری و سنجیده شد و نتایج نشان داد که میانگین نمره کنش دانشگاهیان به صورت معنی‌داری بیشتر از حوزویان است. در توجیه نتایج به دست آمده می‌توان گفت که این مسئله ممکن است ناشی از گستردگی موضوعی بیشتر برای پژوهش در بین دانشگاهیان در مقایسه با حوزویان است. به علاوه ماهیت آموزشی و نقش دانشگاه در راستای تربیت نیروی متخصص در همه زمینه‌ها از قبیل فناوری، مهندسی، علوم انسانی و غیره و همچنین نقش مهمی که کلیه مراکز آموزشی به خصوص دانشگاه در ارائه و تولید دانش روز به عهده دارند منجر به این نتیجه شده باشد که دانشگاهیان بیشتر به لزوم ارتباط با کلیه اقشار پی برده باشند.

باورهای هنجاری به این علت که صرفاً مربوط به تأثیرپذیری از دیگران و افراد مرجع در رابطه با اشتراک‌گذاری دانش هستند، نمی‌توان انتظار داشت که منجر به رفتار دیگری نیز شوند. بنا به دلایلی از قبیل حوزه تخصصی غیر مشترک، عدم وجود درک مشترک از وحدت، عدم حضور در محیط کاری مشترک می‌تواند باعث شده باشد که هنجارهای ذهنی اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان در بین دانشگاهیان در حد ارتباط باقی مانده باشد و نتواند پیش‌بینی‌کننده تمایل به وحدت آن‌ها باشد. همچنین ضرایب غیراستاندارد نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۳۴۲)، تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۲۵۱)، باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۲۲۶)، باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۱۵۷) و رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۱۲۵) در بین دانشگاهیان نشان داد که این عوامل به ترتیب مؤثرترین عوامل در تمایل به وحدت هستند، اگرچه ضریب باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش و رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان فاقد معنی‌داری لازم بوده است. بنابراین پیشنهاد می‌گردد که به این عوامل مؤثر در راستای تمایل به وحدت دانشگاهیان با حوزویان توجه بسیاری صورت گیرد و مهم‌تر این که نباید از نقش سایر عوامل که در این پژوهش نتوانستند پیش‌بینی‌کننده تمایل به وحدت باشند، غافل شد.

آگاهی از اهمیت اشتراک‌گذاری دانش باعث نوع نگاه مثبت جامعه علمی دانشگاهیان به اشتراک‌گذاری دانش و به طبع آن تمایل به وحدت شده است و ممکن است این گروه به این نتیجه رسیده باشند که

مهمترین دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران در قالب وحدت حوزه و دانشگاه به وقوع پیوسته است. بنابراین ممکن است این گروه پژوهش، به این نتیجه رسیده باشند که مسئله اشتراک‌گذاری دانش یکی از راه‌های تقویت وحدت حوزه و دانشگاه و پیشرفت علم و دانش است و باورهای قلبی این گروه منجر به این مسئله شده که اشتراک دانش نقش مهمی در وحدت عملی و پیشرفت جامعه ایران خواهد داشت که نتایج حاصله را می‌توان به درک اهمیت وحدت علمی و عملی میان قشر دانشگاهیان نسبت داد. از طرفی دیگر، نتایج حاصل از آزمون رگرسیون چندمتغیره نشان داد که باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان و رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان) پیش‌بینی‌کننده تمایل به وحدت دانشگاهیان نیستند و اگرچه این متغیرها با تمایل به وحدت رابطه داشتند اما توانایی پیش‌بینی تمایل به وحدت را نداشته و ارتباط این متغیرها با تمایل به وحدت در حد همبستگی باقی ماند. در توجیه این نتایج می‌توان گفت که باورهای هنجاری به این علت که صرفاً مربوط به تأثیرپذیری از دیگران و افراد مرجع در رابطه با اشتراک‌گذاری دانش هستند نمی‌توان انتظار داشت که منجر به رفتار دیگری نیز شوند. بنا به دلایلی از قبیل حوزه تخصصی غیرمشترک، عدم وجود درک مشترک از وحدت، عدم حضور در محیط کاری مشترک می‌تواند باعث شده باشد که هنجارهای ذهنی اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان در بین دانشگاهیان در حد ارتباط باقی مانده باشد و نتواند پیش‌بینی‌کننده تمایل به وحدت آن‌ها باشد. همچنین ضرایب غیراستاندارد نگرش به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۳۴۲)، تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۲۵۱)، باورهای کنترلی به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۲۲۶)، باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۱۵۷) و رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (۰/۱۲۵) در بین دانشگاهیان نشان داد که این عوامل به ترتیب مؤثرترین عوامل در تمایل به وحدت هستند، اگرچه ضریب باورهای هنجاری به اشتراک‌گذاری دانش و رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان فاقد معنی‌داری لازم بوده است.

اقداماتی نظیر برگزاری همایش‌های مشترک، گنجاندن دروس معارف و اخلاق اسلامی و متون اسلامی در نظام آموزشی دانشگاه؛ ورود برخی روحانیون به دانشگاه و بالعکس، که در راستای وحدت حوزه و دانشگاه برداشته شده است اگرچه شکاف علمی بین این دو را پر نکرده اما تقویت و گستردگی این اقدامات گام بلندی در جهت وحدت علمی و عملی حوزه و دانشگاه است. بنابراین، هنگامی که اشتراک دانش به عنوان فرایندی که دربردارنده همه این اقدامات است در بین دانشگاهیان و حوزویان از وضعیت خوبی برخوردار باشد باید انتظار داشت که با تمایل به وحدت و مؤلفه‌های آن همبستگی مثبت داشته باشد و بنابراین، این ارتباط را می‌توان به وضعیت خوب اشتراک دانش با حوزویان و با دانشگاهیان دانست. از طرفی دیگر، به علت مولد بودن و دانش محور بودن هر دو حوزه، اشتراکات آموزشی و محتوایی در برخی حوزه‌های دانشگاهی با حوزه‌های علمیه را

می‌توان توجیهی برای روابط معنی‌دار موجود دانست. از طرفی دیگر، باورهای مذهبی و اعتقادی مشترک برگرفته از قرآن و آموزه‌های اهل بیت مبنی بر اهمیت و لزوم نشر و اشتراک دانش را می‌توان توجیهی برای این مسئله دانست که این دو نهاد به طور مشترک اشتراک‌گذاری دانش را عاملی مهم در تمایل به وحدت می‌دانند.

تفاوت در حوزه آموزشی، قرارگیری در محیط جدا از هم، تخصص‌گرایی بیشتر در دانشگاه‌ها، تمرکز خاص بر علوم و معارف اسلامی در بین حوزویان و احتمالاً وجود برخی تصورات کلیشه‌ای در بین این دو گروه ممکن است منجر به این مسئله شده باشد که میانگین اشتراک‌گذاری این دو گروه با قشر مقابل کمتر از حد مطلوب باشد. با وجود این، باید ذکر کرد که دیدگاه مثبتی بین این دو گروه در زمینه اشتراک‌گذاری دانش وجود دارد زیرا اگرچه میانگین نمرات دو گروه از حد مطلوب کمتر بوده است، اما، نمره کسب شده بیشتر از حد متوسط بوده است. با توجه به این که هر دو گروه جایگاه و مسئولیت‌های مهمی در اداره کشور دارند و با توجه به ضرورت فعالیت‌های مدیریت دانش به خصوص اشتراک‌گذاری دانش در سازمان‌ها و دنیای امروزی در جهت بقا و توسعه جوامع و سازمان‌ها، به دست‌اندرکاران اجرایی و مدیریتی دو نهاد پیشنهاد می‌گردد که از طریق نشست‌های مشترک و برگزاری کنفرانس‌های مختلف در زمینه مسائل روز و مشکلات جامعه و همچنین ایجاد تشکل‌های علمی مشترک بین دو نهاد، زمینه همکاری بیشتر بین این دو قشر را فراهم آورند.

بر اساس مباحث گفته شده و ارتباط بین مؤلفه‌های اشتراک دانش با تمایل به وحدت در بین دو گروه می‌توان دریافت که از اشتراک دانش می‌توان به عنوان عاملی برای پیش‌بینی نحوه رفتارهای وحدتی میان دو گروه استفاده کرد. بر این اساس، اگر بتوانیم دیدگاه‌های افراد دو نهاد و نوع نگرش‌ها و تفکر غالب آن‌ها در زمینه اشتراک دانش با قشر مقابل را بدانیم این احتمال وجود دارد که بتوانیم به این مسئله دست یابیم که آن‌ها تا چه حدی خواهان وحدت با قشر مقابل هستند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که نگرش، باورهای کنترلی و تمایل به اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان توسط دانشگاهیان به طور معنی‌داری می‌توانند تمایل به وحدت دانشگاهیان را پیش‌بینی کنند اما باورهای هنجاری و رفتار اشتراک‌گذاری دانش با حوزویان (توسط دانشگاهیان) پیش‌بینی‌کننده معنی‌داری برای تمایل به وحدت آن‌ها نبودند. بنابراین، از آنجا که باورکنترلی تحت تأثیر شرایط تسهیلگر و فناوری تسهیلگر قرار دارد، ایجاد شبکه‌های مشترک نرم‌افزاری مدیریت دانش تخصصی برای هر دو گروه در محیط وب تأثیر مفیدی بر اشتراک‌گذاری دانش و وحدت میان این دو گروه خواهد داشت. بنابراین، باید اقدامات لازم در این زمینه صورت گیرد. رفتار اشتراک‌گذاری دانش با دانشگاهیان (توسط حوزویان) به طور معنی‌داری پیش‌بینی‌کننده تمایل به وحدت حوزویان دانشگاهیان بود. این نتایج نشان می‌دهد که دانشگاهیان به طور قابل توجهی خواهان وحدت و انجام رفتارهای دانشی با

حوزویان هستند؛ اما این مسئله در رفتار واقعی آن‌ها به خوبی نمود پیدا نکرده است درحالی که در بین حوزویان اگرچه نگرش‌ها، باورهای هنجاری، باورهای کنترلی و تمایل به خوبی نمی‌توانستند نشانه‌ای برای پیش‌بینی تمایل به وحدت باشند، اما حوزویان در رفتار واقعی‌شان به خوبی نشان داده‌اند که خواهان انجام فعالیت‌های دانشی و همکاری علمی با دانشگاهیان هستند. بنابراین، از دست‌اندرکاران مدیریت دانشگاه تقاضا می‌شود که اقدامات لازم را برای به واقعیت رساندن این تمایلات و نگرش‌ها فراهم کنند.

در پایان و با توجه به تأکید بر وحدت حوزه و دانشگاه و انجام فعالیت‌های دانشی و هماهنگی و همدلی در راستای اهداف و آرمان‌های انقلاب اسلامی ایران توسط این دو نهاد، می‌توان گفت که اشتراک‌گذاری دانش به عنوان یکی از عوامل مهم در این زمینه باید بیشتر مورد پژوهش و توجه قرار گیرد. پژوهش حاضر گامی است هرچند کوچک که در راستای وحدت عملی میان این دو نهاد برداشته شده و ایفای نقش اشتراک دانش به عنوان عاملی مهم در این زمینه مدنظر قرار گرفته است. با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهادهایی به شرح زیر ارائه می‌گردد:

- به دست‌اندرکاران هر دو نهاد توصیه می‌گردد که زمینه‌ها و امکانات لازم برای برقراری ارتباط علمی با قشر مقابل را از طریق برگزاری نشست‌ها و کارگاه‌های آموزشی در زمینه اشتراک‌گذاری دانش، ایجاد شبکه‌های نرم‌افزاری مدیریت دانش مشترک تحت وب برای دو گروه، تسهیلات ساختاریافته سازمانی در دو حوزه فراهم کنند.

- در عواملی که نشان از سهولت اشتراک دانش با دیگران قشر خود دارند، زمینه تقویت و فراهم کردن آن شرایط برای اشتراک‌گذاری دانش با قشر مقابل در هر دو نهاد مهیا گردد.

- بر اساس نتایج به دست آمده از مؤلفه کنش ارتباطی پیشنهاد می‌گردد زمینه‌های فعالیت‌های آموزشی-پژوهشی مشترک بیشتری در بین دو نهاد ایجاد و تقویت شود.

- در بین دو نهاد دانشگاه و حوزه علمیه گروه‌های کاری یا کمیسیون‌های مشترک جهت بحث و تحقیق روی موضوعات مشترک علمی برگزار شود که می‌توان با ایجاد مؤسسات آموزشی مشترک و ایجاد نشریات علمی مشترک این امر را تسهیل نمود.

- با توجه به نوع نگاه دو نهاد به علم که بیشتر حوزویان می‌گویند چه گفت و دانشگاهیان می‌گویند چه کرد، نحوه اشتراک‌گذاری دانش و دیدگاه‌های دو نهاد در زمینه اهمیت علوم مختلف مورد بررسی قرار گیرد و شناسایی دلایل احتمالی ناشی از این دو دیدگاه که ممکن است در زمینه اشتراک‌گذاری بین دو نهاد نقش داشته باشند مد نظر پژوهشگران در پژوهش‌های آتی قرار گیرد.

- همچنین ممکن است عوامل دیگری غیر از اشتراک دانش (مانند فاصله طبقاتی، وفاق اجتماعی، وفاق فرهنگی و مانند آن) بر تمایل به وحدت میان این دو نهاد تأثیر داشته باشند که پیشنهاد می‌گردد در پژوهش‌های آتی نقش این عوامل در کنار اشتراک‌گذاری دانش در تمایل به وحدت مد نظر قرار گیرد.

سپاسگزاری

نویسندگان مقاله از داوران محترم به خاطر نظرات ارزشمندشان مراتب تشکر و قدردانی را دارند.

منابع

آذربایجانی، مسعود (۱۳۹۲). موانع و چالش‌ها پیرامون وحدت حوزه و دانشگاه. بازیابی شده از: <http://andishsara.ir/site-and-weblog/11.html> (تاریخ دسترسی: ۱۴۰۰/۰۷/۱۲).

احمدی، اصغر؛ افشانی، علیرضا (۱۳۸۷). نگرش‌های حوزویان و دانشگاهیان نسبت به یکدیگر. *راهبرد فرهنگ*، ۳، ۱۲۵-۱۳۷.
جعفرزاده کرمانی، زهرا (۱۳۹۴). بررسی تأثیر عوامل فردی بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیئت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی. *پژوهشنامه کتابداری و اطلاع‌رسانی*، ۵(۲)، ۴۰-۶۱.

خراسانی، اباصلت؛ عبدالملکی، جمال؛ زاهدی، حسین (۱۳۹۰). عوامل مؤثر بر پذیرش یادگیری الکترونیکی در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی تهران بر مبنای مدل پذیرش فناوری. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۱۱(۶)، ۶۶۴-۶۷۳.
رعیتی، فاطمه (۱۳۹۲). *بررسی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش بین حوزه علمیه و دانشگاه: مطالعه موردی حوزه علمیه یزد و دانشگاه یزد* (پایان نامه کارشناسی ارشد منتشر نشده). دانشگاه قم، قم، ایران.

علی بابایی، یحیی (۱۳۷۸). *بررسی عوامل مؤثر بر وحدت نخبگان در حوزه فرهنگ (مورد: حوزه و دانشگاه)* (رساله دکتری جامعه‌شناسی منتشر نشده). دانشگاه تربیت مدرس تهران، تهران، ایران.
کیخا، فاطمه (۱۳۹۷). *عوامل اعتماد بین فردی مؤثر بر رفتار اشتراک‌گذاری دانش در جوامع مجازی. پژوهشنامه پردازش و مدیریت اطلاعات*، ۳۴(۱)، ۲۷۵-۳۰۰.

منطق، محسن؛ اکبری، ظاهر (۱۳۹۲). *مدیریت دانش با الهام از منابع اسلامی. اسلام و پژوهش‌های مدیریتی*، ۱(۷)، ۵۹-۷۶.
یوسفی، سجاد؛ مرادی، مرتضی؛ تیشه ورز، دایم، محمد کاظم (۱۳۸۹). *نقش تعهد سازمانی در تسهیم دانش. دو ماهنامه توسعه انسانی پلیس*، ۷(۳۰)، ۲۳-۳۶.

References

- Ahmadi, A., & Afshani, A. (2008). The attitudes of seminarians and academics towards each other. *Rahborde farhang*, 3, 125-137. (in Persian)
- Ajzen, I. (1991). the theory of planned behavior. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 50, 179-211.
- Ali Babaei, Y. (1999). *Investigating the Factors Affecting the Unity of Elites in the Field of Culture (Case: Field and University)* (unpublished Ph.D thesis in Sociology). Tarbiat Modares University of Tehran, Tehran, Iran. (in Persian)
- Al-Kurdi, O. F., El-Haddadeh, R., & Eldabi, T. (2020). The role of organizational climate in managing knowledge sharing among academics in higher education. *International Journal*

- of Information Management*, 50, 217-227 Azarbayjani, M. (2013). Obstacles and challenges around the unity of the seminary and the university. Retrieved from <http://andishsara.ir/site-and-weblog/11.html>. (in Persian)
- Jafarzadeh, Z. (2016). The Analysis of Individual Factors on Knowledge Sharing Behavior of library and Information Science Faculties. *Library and Information Science Research*, 5(2), 40-61. (in Persian)
- Ganguly, A., Talukdar, A., & Chatterjee, D. (2019). Evaluating the role of social capital, tacit knowledge sharing, knowledge quality and reciprocity in determining innovation capability of an organization. *Journal of knowledge management*, 9(4), 55-63.
- Goh, S. K., & Sandhu, M. S. (2013), Knowledge Sharing Among Malaysian Academics: Influence of Affective Commitment and Trust. *The Electronic Journal of Knowledge Management*, 11(1), 38-48.
- Keikha, F. (2018). Interpersonal Trust Factors Affecting Members' Knowledge Sharing Behavior in Virtual Communities. *Iranian journal of information processing and management*, 34(1), 275-300. (in Persian)
- Khorasani, A., Abdolmaleki, J., & Zahedi, H. (2012). Factors Affecting E-Learning Acceptance among Students of Tehran University of Medical Sciences Based on Technology Acceptance Model (TAM). *Iranian Journal of Medical Education*, 11(6), 664-673. (in Persian)
- Manteghi, M., & Akbari, Z. (2013). Knowledge management inspired by Islamic sources. *Islam and Management Research*, 1(7), 59-76. (in Persian)
- Raiti, F. (2013). *Investigating the effective factors on knowledge sharing between seminary and university: A case study of Yazd seminary and Yazd University* (unpublished master's thesis). Qom University, Qom, Iran. (in Persian)
- Tangaraja, G., Mohd Rasdi, R., Ismail, M., & Abu Samah, B. (2015). Fostering knowledge sharing behaviour among public sector managers: a proposed model for the Malaysian public service. *Journal of Knowledge Management*, 19(1), 121-140, <http://dx.doi.org/10.1108/JKM-11-2014-0449>
- Thomson, A. M., Perry, J. L., & Miller, K. (2007). Conceptualizing and measuring collaboration. *Journal of Public Administration Research and Theory Advanced Access*.
- Tenopir, C., Dalton, E. D., Allard, S., Frame, M., Ivanka, P., Birch, B., Pollock, D., & Dorsett, K. (2015). Changes in Data Sharing and Data Reuse Practices and Perceptions among Scientists Worldwide. *Plos One*, 10(8), e0134826.
- Yao, C. Y., Tsai, C. C., & Fang, Y. C. (2015). Understanding social capital, team learning, members'loyalty and knowledge sharing in virtual communities. *Total Quality Management & Business Excellence*, 26 (5-6), 619-631.
- Yousefi, S., Moradi, M., & Tishevarz-e daem, M. K. (2010). The role of organizational commitment in knowledge sharing. *Bimonthly Police Human Development*, 7(30), 23-36. (in Persian)